

بنیادهای فقهی حقوقی نظم اجتماعی (کتاب)

نویسنده خلاصه: مهدی محمدی
نویسنده کتاب: محمدرسول آهنگران

چکیده

بنیادهای فقهی حقوقی نظم اجتماعی، پژوهشی درباره مبانی نظم و امنیت اجتماعی و همچنین بایسته‌های رفتاری مأموران نظامی و انتظامی در نظام حقوقی اسلام است. به گفته محمدرسول آهنگران نویسنده کتاب، در نگاه اسلام نظم و امنیت اجتماعی، تأمین‌کننده ارزش‌های والای انسانی است، بر خلاف نگاه بشری که نظم و امنیت اجتماعی را موجب حداکثر شدن انتفاع مادی انسان می‌داند. به باور نویسنده رویکرد اسلام به نظم و امنیت باید در ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری نیروهای انتظامی مشهود باشد. از ویژگی‌های این نیروها مصون بودن از آلودگی به طمع‌ورزی و خیانت به مال و ناموس دیگران است و نیز شکیبایی و مهارت کنترل خشم و عدم تسلیم در برابر صاحبان قدرت نامشروع. وی قائل است، از دیدگاه حقوق اسلامی اجرای عدالت از مهم‌ترین وظایف نیروی انتظامی بوده و این نیرو می‌تواند، عامل پیوند حکومت و مردم باشد.

معرفی اجمالی و ساختار

کتاب «بنیادهای فقهی حقوقی نظم اجتماعی»، پژوهشی در حوزه فقه اجتماعی است که به بررسی دیدگاه نظام حقوقی اسلام درباره نظم و امنیت اجتماعی و مبانی آن و همچنین خصوصیات رفتاری برقرارکنندگان نظم و امنیت اجتماعی می‌پردازد. این کتاب توسط محمدرسول آهنگران، دانشیار دانشگاه تهران تدوین شده و در سال ۱۳۹۶ ش توسط انتشارات مجد به چاپ رسیده است.

ساختار

این پژوهش در دو بخش تنظیم شده است: در بخش اول به اصول و مبانی نظم و امنیت اجتماعی در نظام حقوقی اسلام پرداخته شده است. در این بخش نویسنده به مباحثی چون مبانی نظم و امنیت در حالت تحریف شده و غیر تحریف شده می‌پردازد و همچنین تفاوت مبانی اسلام و حقوق بشری نظم اجتماعی را بررسی می‌کند (ص ۹-۱۱۵). بخش دوم نیز به بایسته‌های رفتاری مأموران نظامی و انتظامی در نظام حقوقی اسلام اختصاص یافته است. در این بخش ویژگی‌های نیروهای انتظامی، بایسته‌های رفتاری فرماندهان نظامی با نیروهای زیردست و مهم‌ترین وظیفه نیروی انتظامی مورد بحث قرار گرفته شده است (ص ۱۱۷-۱۹۲). در نهایت نیز به نتیجه‌گیری پرداخته شده است (ص ۱۹۳-۱۹۵).

تفاوت مبانی نظم و امنیت اجتماعی در نظام حقوقی اسلام با نظام حقوق بشری از نظر نویسنده، در دین اسلام تدابیری برای نظم و امنیت اجتماع اندیشیده شده است؛ لیکن در پی رنسانس دو روش مقابله با دین صورت گرفت که شکل نخست آن در تفکر سکولاریسمی تبلور یافت. نگرش سکولاریسمی به معنای جدایی دین از سیاست، و انعکاس‌دهنده مقابله غیرمستقیم با دین و روش دوم مقابله رودرو و مستقیم با دین بود، در مکاتب مذکور دین معلول جهل بشر انگاشته شد که در نتیجه درصدد حذف یا حداقل

تحریف آن برآمدند (ص ۹-۱۵). با تحریفات صورت گرفته در دین، نظم و امنیت اجتماعی نیز از مسیر تعیین شده از سوی شارع تغییر جهت داده و معنایی متفاوت پیدا کرد، به صورتی که نظم و امنیت اجتماعی از دیدگاه دین، مطابق منافع ظالمان معرفی و بر اساس تحمّل نظام ظالمانه تجویز شد (ص ۲۵).

اما با بازگشت مجدد دین به عرصه زندگی، یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های نظم و امنیت اجتماعی یعنی عدالت، ظهور کرده و محور زندگی اجتماعی انسان‌ها قرار گرفت، در نگاه ادیان و اسلام، عدالت یک اصل است که بر اساس درک عقلی، پسندیده بودن آن به اثبات رسیده است. نظم و امنیت در نگاه اسلام دارای رویکرد عدالت محور بوده و در آن کوچک‌ترین تبعیضی به چشم نمی‌خورد. در اسلام رعایت نظم و امنیت اجتماعی به معنی رعایت حقوق افراد است و بی‌نظمی به معنای تضییع حق است (ص ۴۴-۶۹).

نویسنده بیان می‌کند در نگاه دین اسلام، نظم و امنیت اجتماعی به گونه‌ای تعریف شده است که تأمین‌کننده ارزش‌های والای انسانی باشد، از این نظر نظم و امنیت اجتماعی عبارت است از در جای خود بودن و مورد تضییع قرار نگرفتن حقوق به گونه‌ای که وجود آن حقوق برای سعادت‌مندشدن انسان و رسیدن به کمالات معنوی‌اش لازم و ضروری است (ص ۹۲)؛ اما در نگاه بشری نظم و امنیت اجتماعی باید به گونه‌ای تعریف شود که موجب حداکثر شدن انتفاع انسان از این دنیا شود و بر این اساس روابط انسانی نیز مبتنی بر اصل رقابت است (ص ۹۲).

بایسته‌های رفتاری مأموران نظامی و انتظامی در نظام حقوق اسلام مؤلف بر اساس باور خود مبنی بر تفاوت رویکرد اسلام به نظم و امنیت اجتماعی با نگاه بشری، به بررسی ویژگی‌های نیروهای انتظامی می‌پردازد که وظیفه برقراری نظم و امنیت اجتماعی را بر عهده دارند. او در این زمینه به سه موضوع ویژگی‌هایی نیروهای نظامی، نوع رابطه موجود میان نیروها و فرماندهان آنان و در نهایت به وظایف و دستاوردهای نیروهای نظامی در زمینه نظم و امنیت اجتماعی پرداخته است (ص ۱۱۷).

به اعتقاد نگارنده اسلام وظایف و تکالیف ویژه‌ای برای نیروهای انتظامی در نظر گرفته است؛ به همین منظور آنان برای انجام صحیح و کامل آن وظایف باید متصف به خصوصاتی باشند (ص ۱۱۸)؛ ازجمله خیرخواهی و مصلحت‌اندیشی نسبت به دین (ص ۱۱۸-۱۱۹)، طهارت نفس از رذایل اخلاقی (ص ۱۲۸-۱۲۹)، شکیبایی و توان کنترل خشم (ص ۱۳۴-۱۳۵) و ایستادگی در برابر قدرت‌های نامشروع (ص ۱۴۸-۱۴۹).

نویسنده تأکید می‌کند در نظام حقوقی اسلام علاوه بر ایجاد انگیزه معنوی و مربوط به آخرت که افراد و نیروهای انتظامی را به برقراری نظم و امنیت اجتماعی ترغیب می‌کند، به نیازهای مادی و بهره‌گیری از نعمت‌های دنیوی نیز اهمیت داده شده است. البته بهره‌گیری در چارچوب دین و بدون آسیب به سعادت اخروی دیگران. بر همین اساس دین به مسئولان و فرماندهان دستور می‌دهد که نسبت به این نیروها به گونه‌ای رفتار کنند که علاوه بر تلاش در جهت رفع نیازهایشان، شرایط دلگرمی و آرامش روانی آنان را فراهم آورند (ص ۱۵۱). او در این باره به چند مورد از وظایف فرماندهان نیز اشاره می‌کند مانند رفتار محبت‌آمیز با

زیردستان (ص ۱۵۱-۱۵۲) تلاش برای رفع نیازهای نیروها (ص ۱۶۱) و قدرشناسی از آنها (ص ۱۶۴).

نگارنده در نهایت به برخی دستاوردهای نیروهای نظامی در راستای نظم و امنیت اجتماعی اشاره می‌کند؛ مانند برقراری عدالت (ص ۱۷۰)، مهرورزی اعضای جامعه به یکدیگر به عنوان دستاورد عدالت (ص ۱۷۹-۱۸۳) و ایجاد همدلی و همگامی دولت و ملت (ص ۱۸۵-۱۸۶).

